

# الدرس الثالث

## مطرُ السمك

## نکات فن ترجمه

- ترکیب (أن «که» - حَتَّى «تا، تا اینکه» - كَيْ «تا، تا اینکه») + فعل مضارع: فعل مضارع به صورت مضارع التزامی (بِ + بن مضارع + شناسه) ترجمه می شود. البته گاهی مضارع التزامی بدون (بِ) به کار می رود. مثال: فانظر إلى هذه الصورة حَتَّى تُصَدِّقَ: پس به این عکس نگاه کن تا باور بکنی (کنی)

۵۷) في بداية الأمر كنا نظن أن تكون تلك الظاهرة العجيبة فلماً خيالياً:

- ۱) گمان کرده بودیم که آن پدیده ی باور نکردنی در شروع کار، فیلمی خیالی است
- ۲) در ابتدای کار، گمان ما این بود که این پدیده ی عجیب فیلمی موهوم باشد.
- ۳) گمان می کردیم که در شروع آن کار، این پدیده ی شگفت، فیلمی خیالی است.
- ۴) در آغاز کار گمان می کردیم که آن پدیده ی عجیب، فیلمی خیالی است.

۵۸) علينا أن نشترى البطاقة حتى ندخل الملعب لمشاهدة المباراة:

- ۱) برماست که برای وارد شدن به ورزشگاه برای دیدن مسابقات، بلیت خریداری کنیم.
- ۲) برای دیدن مسابقه باید کارت بخریم تا بتوانیم به ورزشگاه وارد شویم.
- ۳) ما باید بلیت بخریم تا برای دیدن مسابقه به ورزشگاه وارد شویم.
- ۴) خریدن کارت برای دیدن مسابقات بر ما واجب است تا بتوانیم وارد ورزشگاه شویم.

۵۹) «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا أَنفُسَهُمْ». عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ: (کنکور تجربی ۹۶)

- ۱) بلاشک الله دگرگون نمی کند هیچ قومی را الا این که آن چه در دل های آن قوم است تغییر داده شود.
- ۲) همانا خداوند آنچه در قومی هست تغییر نمی دهد مگر اینکه آنچه را در درونشان هست، تغییر دهند.
- ۳) قطعاً الله چیزی را که قومی در درون خود دارند تغییر نخواهد داد مگر اینکه ابتدا درون خویش را تغییر بدهند.
- ۴) بدون تردید خداوند دگرگون کننده ی چیزی که قومی در نفس خود دارند نیست الا اینکه نخست آنچه را در دل دارند دگرگون سازند.

۶۰) «اللَّهُمَّ قَدْ جَعَلْتَ لَنَا مَشَاكِلَ عَدِيدَةً فِي الدُّنْيَا حَتَّى تُرْتِينَا، فَيَسِّرْهَا أَنْتَ عَلَيْنَا أَيْضاً» عَيْنُ التَّرْجُمَةِ الصَّحِيحَةِ: (کنکور ریاضی ۹۵)

- ۱) خدایا؛ در دنیا مشکلات متعددی را برای ما قرار داده ای تا ما را تربیت کنی، پس تو خود نیز آنها را بر ما آسان کن.
- ۲) پروردگارا؛ مصیبت های مختلفی را در دنیا برای ما گذاشتی تا تربیت شویم، پس تو نیز آنها را برایمان آسان می کنی.
- ۳) پروردگارا؛ مصیبت های متعددی را در دنیا برایمان گذاشته ای تا پرورشمان دهی، پس خودت نیز آنها را بر ما آسان کن.
- ۴) خدایا؛ در دنیا مشکلات مختلفی را برایمان نهادی تا تربیتمان کنی، پس تو خود نیز آنها را برایمان آسان می کنی.

- در ترکیب (فعل سوم شخص مفرد + اسم مثنی یا جمع): فعل به صورت مفرد نوشته می شود و به جمع ترجمه می شود. مثال: يَسْتَقِي النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرُ السَّمَكِ»: مردم این پدیده ی طبیعی را باران ماهی می نامند.

تست مربوط به واژگان، متن درس و درک مطلب

۶۱) «مِهْرَجَانُ الفَجْرِ لِلأفلامِ ينعقد سنوياً في شهرِ بهمن». عَيْنُ الكَلِمَةِ الَّتِي أَقْرَبُ مِنَ المَفْهُومِ لِلكَلِمَةِ الَّتِي تَحْتَهَا خطُّ:

- ۱) ظاهرة
- ۲) حفلة
- ۳) حكاية
- ۴) حافلة

۶۲) مَا هُوَ الْحَطَأُ عَنِ الْمُتَضَادِّ لِلْكَلِمَاتِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطُّ:

- (۱) ذَهَبَ الْمُعَلِّمُ فِي الصَّبِّ إِلَى الْبَيْتِ: (اليسار)  
 (۲) أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ. (أقل)

- (۲) هُنَاكَ نَوْعٌ مِنَ الْفَرَسِ يَقْدِرُ عَلَى النَّوْمِ وَاقِفًا: (جالساً)  
 (۴) اللَّهُمَّ أَخْرِجْنِي مِنَ ظُلُمَاتِ الْوَهْمِ. (أدخُل)

۶۳) بَعْدَ حَدُوثِ مَطَرِ السَّمَكَ تُصْبِحُ الْأَرْضُ ..... بِالْأَسْبَاكِ ..... عَلَى الْأَرْضِ.

- (۱) منتشرة - المتعلقة (۲) مفروشة - المنتشرة (۳) متعلقة - الجميلة (۴) ظاهرة - القوية

۶۴) عَيِّنِ الْحَطَأَ عَلَى حَسَبِ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ:

- (۱) عِنْدَمَا يَفْقِدُ الْإِعْصَاؤُ شُرْعَتَهُ، تَتَسَاقَطُ الْأَسْبَاكُ عَلَى الْأَرْضِ.  
 (۲) إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ التَّلَجِ مِنَ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.  
 (۳) مَهْرَجَانُ السَّمَكَ يَنْعَقِدُ فِي الْهِنْدُورَاسِ شَهْرِيًّا. وَ يُسَمَّوْنَهُ «مَهْرَجَانُ الْبَحْرِ»  
 (۴) مَا يَتَّبِعُ الْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ مَطَرِ السَّمَكَ.

۶۵) .....؟ «نَحْنُ مِنْ لَبْرَانَ وَ مِنْ مَدِينَةِ كَازِرُونَ». عَيِّنِ السُّؤَالَ الْحَطَأَ لِلْفِرَاحِ:

- (۱) مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتَ؟ (۲) مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُنَّ؟ (۳) مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟ (۴) مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتِ؟

نکات مربوط به قواعد:

- فعل غائب اول جمله (سوم شخص) به صورت مفرد نوشته می شود، هر چند که اسم بعد از آن فعل، مثنی یا جمع باشد.  
 مثال:

✓ حاول العلماء معرفة سر تلك الظاهرة العجيبة.

✓ جاء الطالبان إلى المدرسة.

۶۶) عَيِّنِ الْحَطَأَ فِي اسْتِخْدَامِ الْأَفْعَالِ:

- (۱) يُسَمَّوْنَ النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ مَطَرِ السَّمَكَ.  
 (۲) يَحْتَقِلُ الطَّلَابُ هَذَا الْيَوْمَ.  
 (۳) قَرَأَ الْمُعَلِّمُونَ الدَّرْسَ لِلطَّلَابِ  
 (۴) تَعِيشُ الْأَسْبَاكُ فِي النَّهْرِ وَ الْبَحْرِ

• فعل از لحاظ تعداد حروف، در فعل ماضی مفرد مذکر غائب (سوم شخص مفرد مذکر)، بر دو نوع است:

- ✓ فعل ثلاثی مجرد: تعداد حروفش در فعل ماضی مفرد مذکر غائب، تنها سه حرف است. مثال: جَلَسُوا (جَلَسَ) - قَرَأْتُ (قَرَأَ) - يَنْظُرَانِ (نَظَرَ).
- ✓ فعل ثلاثی مزید: تعداد حروفش در فعل ماضی مفرد مذکر غائب، بیش از سه حرف است (سه حرف اصلی و یک یا چند حرف زائد). مثال: هَاجَرْتُمْ (هَاجَرَ) - اسْتَخْدَمُوا (اسْتَخْدَمَ)
- ✓ مهمترین معیار برای تشخیص فعل های ثلاثی مجرد از ثلاثی مزید، این است که فعل مورد نظر را به سوم شخص مفرد مذکر ماضی آن بر گردانیم. مثال: جَلَسْتُ ثلاثی مجرد است چون سوم شخص ماضی (مفرد مذکر ماضی) آن (جَلَسَ) است. //

- فعل های ثلاثی مزید طبق وزن های مشخصی در ۸ باب می آیند. اگر فعلی با یکی از وزن های زیر مطابقت داشته باشد حتما ثلاثی مزید است. (درس ۳ و ۴)

باب	ماضی	مضارع	امر	مصدر
استفعال	اِسْتَفْعَلْ	يَسْتَفْعِلُ	اِسْتَفْعِلْ	اِسْتِفْعَالٌ
---	اِسْتَرْجَعْ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می گیرد	اِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	اِسْتِرْجَاعٌ: پس گرفتن
اِفْتَعَالٌ	اِفْتَعَلَ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعِلْ	اِفْتِعَالٌ
---	اِشْتَعَلَ: کار کرد	يَشْتَعِلُ: کار می کند	اِشْتَعِلْ: کار کن	اِشْتِعَالٌ: کار کردن
اِنْفِعَالٌ	اِنْفَعَلَ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعِلْ	اِنْفِعَالٌ
---	اِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می شود	اِنْفَتِحْ: باز شو	اِنْفِتْحَانٌ: باز شدن
تَفَعُّلٌ	تَفَعَّلَ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلْ*	تَفَعُّلٌ
---	تَخَرَّجَ: دانش آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش آموخته می شود	تَخَرَّجْ: دانش آموخته شو	تَخَرُّجٌ: دانش آموخته شدن
تَفَاعُلٌ	تَفَاعَلَ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلْ*	تَفَاعُلٌ
---	تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می شود	تَشَابَهْ: همانند شو	تَشَابُهٌ: همانند شدن
تَفْعِيلٌ	فَعَّلَ	يُفَعِّلُ	فَعِّلْ*	تَفْعِيلٌ
---	فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می کند	فَرِّحْ: شاد کن	تَفْرِيحٌ: شاد کردن
مُفَاعَلَةٌ	فَاعَلَ	يُفَاعِلُ	فَاعِلْ*	مُفَاعَلَةٌ
---	جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالِسْ: همنشینی کن	مُجَالَسَةٌ: همنشینی کردن
اِفْعَالٌ	اَفْعَلَ	يُفْعِلُ	اَفْعِلْ	اِفْعَالٌ
---	اَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می آورد	اَخْرِجْ: بیرون بیاور	اِخْرَاجٌ: بیرون آوردن

- فعل های ثلاثی مزید، مانند فعل های ثلاثی مجرد به شخص های مختلف برده می شوند.

مثال: اِسْتَعْدَمْتُ // اِسْتَعْدَمْتُ // اَجْلِسُ // اَجْلِسُ // اُجَالِسُ // اُجَالِسُ // اُجَالِسِينَ ..

(۶۷) عَيْنَ عِبَارَةٍ مَا جَاءَ فِيهَا فِعْلٌ مَزِيدٌ :

- (۱) اَنْشَدَ بَعْضُ الشُّعْرَاءِ اَبْيَاتًا مَرْجُوَّةً بِالْفَارْسِيَّةِ وَ الْعَرَبِيَّةِ .
- (۲) اَعْضَاءُ الْاُسْرَةِ شَاهَدُوا فِلْمًا رَائِعًا عَنِ الْاَلْفَيْنِ .
- (۳) الصَّيْنُ اَوَّلُ دَوْلَةٍ اِسْتَعْدَمَتْ ثُقُودًا وَرَقِيَّةً .
- (۴) حَدَّثَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ فِي تِلْكَ الْمِنْطَقَةِ سَنَوِيًّا .

(۶۸) عَيْنَ الْخَطَا عَنْ اِسْتِخْدَامِ الْاِفْعَالِ :

- (۱) هَذِهِ الزُّجَاجَةُ اِنْكَسَرَتْ بِسَبَبِ الْعَاصِفَةِ الشَّدِيدَةِ .
- (۲) هُوَلَاءِ الطَّلَبَةِ تَخَرَّجُوا مِنْ جَامِعَةِ طَهْرَانَ .
- (۳) اَيُّهَا الْاَخْوَانُ، لِمَاذَا تَعَجَّبْتُمْ مِنْ هَذِهِ الْحَادِثَةِ؟
- (۴) اِنْقَطَعَتِ الْكُهْرَبَاءُ عِنْدَ نَزُولِ الْمَطْرِ .

- هیچ کدام از فعل های ثلاثی مزید، عین الفعلشان «دومین حرف اصلی» ضمّه ندارد پس هیچ فعل امر ثلاثی مزیدی، با(أ) شروع نمی شود. بنابراین هر فعلی که عین الفعلش ضمّه داشته باشد یا فعل امری که با(أ) شروع شود، مزید نیست.  
مثال: تَعْبُدُونَ، اَنْظُرُوا، اَصْدُقْ و.... این فعل ها همگی ثلاثی مجردند.

(۶۹) عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي صِيَاغَةِ الْأَمْرِ:

(۱) تَجَمَّعَ - جَمَعَ (۲) تَقَرَّبَ - اقْتَرَبَ (۳) تَعَلَّمَ - عَلَّمَ (۴) تَحَاوَلَنِي - أَحَاوَلَا

- هرگاه فعلی در باب افعال باشد در حالت امر با (أ) شروع می شود.
- ساختن فعل های نهی، نفی، مستقبل و ... از فعل های ثلاثی مزید دقیقاً مانند فعل های ثلاثی مجرد است. مثال: لا تَحْتَبِرْ، ما سَاعَدْتُمْ، سَيُسَاعِدُ.

- برای ساختن مصدر از فعل های ثلاثی مزید، آن فعل را طبق وزن بابش قرار می دهیم: مثال: مصدرِ اسْتَعْفَرَ: اسْتَعْفَارٌ // مصدرِ تَعَلَّمَ: تَعَلُّمٌ // مصدرِ انْقَطَعَ: انْقِطَاعٌ //

- برای تشخیص مصدر فعل های داده شده در تست ها بهتر آن است که به ماضی صیغه ی مفرد مذکر غائب (سوم شخص مفرد) مراجعه کنیم

(۷۰) عَيْنُ الصَّحِيحِ عَنِ الْأَمْرِ مِنْ «أَدْرَكَ»:

(۱) أَدْرَكَ (۲) إِدْرَكَ (۳) أَدْرَكَ (۴) إِدْرَكَ

(۷۱) عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي تَعْيِينِ الْمَصَادِرِ:

(۱) تَقَدَّمَ - تَقَدَّمَ (۲) حَاسَبَت - مُحَاسَبَةٌ (۳) يَنْشَاهُونَ - تَشْبِيه (۴) يَكْرَمُونَ - تَكْرِيم

- فعل هایی که با (انت، ينت، تنت، ننت) شروع بشوند در باب افتعال هستند نه انفعال. مثال: انْتَهَرَ، يَنْتَبِهْ، تَنْتَبِرُ و ...
- فعل های مانند «اسْتَمَعَ، اسْتَمَرَّ، اسْتَلَمَ» در باب افتعال هستند نه استفعال.
- برای تشخیص تعداد حروف زائد فعل های مزید بهتر است به ماضی مفرد مذکر غائب آنها (سوم شخص مفرد مذکر) مراجعه کنیم.

(۷۲) عَيْنُ الْخَطَأِ:

(۱) هِيَ تُصَوِّرُ هَذِهِ الْمَنْظِرَةَ الْجَمِيلَةَ: مِنْ مَصْدَرِ «تَصْوِيرٌ» (۲) تَقَدَّمَ التَّلْمِيزُ فِي دُرُوسِهِ كَثِيرًا. مِنْ بَابِ «تَفْعِيلٍ»  
 (۳) دَافَعَتِ النِّسَاءُ عَنِ هَوَيْتِهِنَّ الْإِسْلَامِيَّةِ: مِنْ مَصْدَرِ مُدَافَعَةٍ (۴) تَنْتَشِرُ الْأَخْلَاقُ فِي الْمَجْمَعِ بِحُضُورِ الْمُؤْمِنِينَ. مِنْ بَابِ (اِفْتِعَالِ)

- باتوجه به مشابهت فعل های ماضی و امر و جلوگیری از اشتباه کردن آنها با یکدیگر، دانستن نکات زیر ضروری است:
- ✓ حرکت عین الفعل (دومین حرف اصلی) در ماضی همه ی باب ها فتحه و در امر همه ی باب ها کسره است (به جز دو باب تَفَعَّلَ و تَفَاعَلَ که حرکت عین الفعل این دو باب در امر بازهم فتحه است). مثال: اسْتَعْدَمَا (ماضی) - اسْتَعْدِمَا (امر) - جَاهَدُوا (ماضی) - جَاهِدُوا (امر) - انْتَهَرْنَا (ماضی) - انْتَهِرْنَا (امر)
- ✓ فعل امر و ماضی در دو باب تَفَعَّلَ و تَفَاعَلَ، در برخی از صیغه ها کاملاً شبیه به هم هستند؛ که با توجه به ضمائر به کار رفته در جمله قابل تشخیص هستند.

(۷۳) عَيْنُ الْمَزِيدِ الثَّلَاثِي بِزِيَادَةِ حَرْفٍ وَاحِدٍ:

- (۱) \* (فاسْتَفْعِرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَنْ يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ. (۳)\* (و بِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَ بِالْحَقِّ نَزَّلْ) \*  
 (۲) يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالتُّورُوزِ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الشَّمْسِيَّةِ.  
 (۴) عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايِشًا سَلْمِيًّا.

(۷۴) «..... يَبِيعُ الضُّخْفُ فِي مَدِينَتِهِمْ.» عَيْنُ الحِطَّاءِ لِلفِراغِ:

- (۱) اِسْتَعْلَوْا (۲) يَسْتَعْلَوْنَ (۳) اِسْتَعْلَوْا (۴) كَانُوا يَسْتَعْلَوْنَ

(۷۵) عَيْنُ الحِطَّاءِ عَنِ فِعْلِ «تَقَدَّمُوا»

- (۱) فِعْلٌ ماضٍ (۲) فِعْلٌ امرٍ (۳) مَزِيدٌ ثَلَاثِي (۴) مَصْدَرَةٌ (تَقْدِيم)

(۷۶) عَيْنُ عِبْرَةٍ لَيْسَ فِيهَا فِعْلٌ امرٍ:

- (۱) أَنْظَرُوا إِلَى طَعَامٍ تَأْكُلُونَ.  
 (۲) أَيُّهَا الْوَالِدَانِ، تَكَلَّمَا مَعَ الْوَالِدِي حَوْلَ مَشَاكِلِهِمْ.  
 (۳) اِسْتَخْدُوا الْأَمْثَالَ فِي كَلَامِكُمْ.  
 (۴) اِقْتَرَبُوا مِنَ الحَدِيقَةِ فَجَلَسُوا تَحْتَ الْأَشْجَارِ.

● فعل های باب افعال و تفعیل را باید طوری ترجمه کنید که مفعول پذیر باشند. مثال: أُخْرِجَ (بیرون آورد). نَزَّلَ (پایین آورد)

● فعل هایی که در باب انفعال هستند باید طوری ترجمه شوند که نیاز به مفعول نداشته باشند. (از فعل ربطی شد در ترجمه آنها استفاده می کنیم). مثال: اِسْتَعْتَبْتُ فرستاده شد // اِسْقَطَعَ قطع شد.

● معمولاً در ترجمه ی باب تفاعل از کلماتی مانند «همدیگر، یکدیگر» کمک می گیریم. مثال: تَعَايَشُوا (با یکدیگر هم زیستی کردند). تَشَابَهَ (به یکدیگر شبیه شدند).

● در ترجمه ی فعل های باب تَعَلَّلَ تا جایی که امکان دارد از فعل ربطی شد استفاده می کنیم. مثال: تَغَيَّرَ (عوض شد). تَجَمَّعْنَا (جمع شدیم).

✓ البته در مواردی، این نوع ترجمه جواب نمی دهد. مثال: تَعَلَّمُ (یادگرفت) تَعَجَّبَ (تعجب کرد) تَدَخَّلَ (دخالت کرد) تَكَلَّمَ (صحبت کرد).

(۷۷) عَيْنُ التَّرْجَمَةِ الصَّحِيحَةِ:

- (۱) الْحِرْبَاءُ تُدِيرُ عَيْنَيْهَا دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا: آفتاب پرست چشمش را می گرداند بدون اینکه سرش حرکت کند.  
 (۲) إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ: بدی ها با خوبی ها از بین می روند.  
 (۳) بِهَذِهِ الْأَضْوَاءِ تَحْوَلُ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيٍّ: با این نورها تاریکی دریا را به روزی روشن تغییر داد.  
 (۴) تَضَارَبْنَا فَتَدَخَّلَ الْمَدِيرُ وَ تَدَمَّنَا: همدیگر را زدیم پس مدیر دخالت کرد و ما را پشیمان کرد.

- برخی از فعل های هم خانواده که تشخیص معنای آنها از یکدیگر ضروری است، طبق جدول ذیل می باشند.

فعل	ترجمه	فعل	ترجمه
عَلِمَ	دانست	جَلَسَ	نشست
عَلَّمَ	یاد داد	أَجْلَسَ	نشان داد
تَعَلَّمَ	یاد گرفت	جَالَسَ	همنشینی کرد
فعل	ترجمه	فعل	ترجمه
صَدَّقَ	راست گفت	قَبِلَ	پذیرفت
صَادَقَ	دوستی کرد	قَبَّلَ	بوسید
صَدَّقَ	باور کرد	قَابَلَ	روبه رو شد
تَصَدَّقَ	صدقه داد	اِسْتَقْبَلَ	استقبال کرد
فعل	ترجمه	فعل	ترجمه
خَرَجَ	خارج شد، بیرون رفت	عَمِلَ	کارکرد
أَخْرَجَ	در آورد	عَامَلَ	رفتار کرد
تَخَرَّجَ	دانش آموخته شد، فارغ التحصیل شد	تَعَامَلَ	داد و ستد کرد
اِسْتَخْرَجَ	بیرون آورد، استخراج کرد	اِسْتَعْمَلَ	به کار گرفت
فعل	ترجمه	فعل	ترجمه
عَرَفَ	شناخت، فهمید	رَجَعَ	بازگشت
تَعَرَّفَ	آشنا شد	أَرْجَعَ	بازگرداند
تَعَارَفَ	یکدیگر را شناخت (شناختند)	اِسْتَرْجَعَ	پس گرفت
أَعْرَفَ	شناساند	رَاجَعَ	مرور کرد، مراجعه کرد
فعل	ترجمه	فعل	ترجمه
سَلِمَ	سالم ماند		
سَلَّمَ	سلام کرد، تحویل داد		
أَسْلَمَ	اسلام آورد		
اِسْتَلَّمَ	دریافت کرد		
اِسْتَسَلَّمَ	تسلیم شد		